

تحلیل تهدیدات خارجی تأثیرگذار بر توسعه و امنیت مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: استان خراسان جنوبی)

مهدی محمودی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

حجت مهکویی^۱

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

احمد خادم‌الحسینی

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

حمید صابری

گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۴

چکیده

توسعه و امنیت برای مناطق مرزی ایران، یکی از مسایل اصلی و مهم است که باید مورد توجه جدی مسئولان قرار بگیرد. این مناطق همواره با معضلات و چالشهای توسعه و امنیت مواجه هستند. نگاهی به وضعیت شهرها و روستاهای مناطق مرزی، نمایانگر سطح پایین توسعه و کاهش امنیت و یا وجود ناامنی در آنها می‌باشد. در مناطق مرزی شرق کشور، اثرات منفی ناشی از بروز تنش‌ها و بی‌ثباتی‌ها در کشورهای همسایه شرقی، همواره بر استانهای مرزی نیز تأثیرگذار بوده است. این مسأله، نگرانی‌های امنیتی در مناطق شرقی را به یکی از معضلات اصلی برای ایران مبدل ساخته است. چرا که مرزهای شرقی ایران که بسیار طولانی هستند با موضوعاتی از قبیل قاچاق مواد مخدر، ژئوپولیتیک آب، مسائل قومی و مذهبی و حضور کشورهای بیگانه در کشورهای همسایه دست به گریبانند. ایران از سمت شرق با دو کشور افغانستان و پاکستان هم‌مرز است؛ کشورهایی که به دلیل دوره‌های طولانی تنش و بی‌ثباتی، نقش زیادی در ایجاد ناامنی در مناطق همجوار خود از جمله ایران دارند. نوشتار حاضر کوشیده به روش توصیفی-تحلیلی، ریشه‌های ناامنی و تهدیدات خارجی تأثیرگذار بر توسعه و امنیت منطقه مرزی خراسان جنوبی را مورد تحلیل قرار دهد. سوال اصلی مطرح شده این است که آمایش سرزمین استان خراسان جنوبی به عنوان منطقه مرزی در شرق کشور با چه تهدیدات خارجی برای توسعه و ایجاد امنیت مواجه است؟ نتایج یافته‌های تحقیق حاکیست که قاچاق مواد مخدر، شرارات و ناامنی، تروریسم، مسائل قومی و مذهبی و بی‌ثباتی سیاسی افغانستان از مهمترین تهدیدات خارجی فراروی توسعه و امنیت در مناطق مرزی ایران و افغانستان به ویژه در استان خراسان جنوبی محسوب می‌گردد. لاجرم، آمایش سرزمین در استان خراسان جنوبی با مسایل و چالشهای عدیده‌ای مواجه است و توسعه و امنیت در این استان، به نگاه و توجه ویژه دولت و مسئولان محلی نیاز دارد.

کلیدواژه‌ها: تهدیدات، امنیت، توسعه، مناطق مرزی، افغانستان، ایران، خراسان جنوبی

مقدمه

توسعه و امنیت از مقولات و مؤلفه‌هایی هستند که برای زندگی و ادامه آن در شهرها، روستاها و مکانهای سکونت مردم، لازمه اصلی می‌باشند. پیوند میان زیستن و ایفای نقش مردم درون سرزمین یک کشور با توسعه و امنیت به گونه‌ای در آمده است که جدایی آنها و یا نبود و کم‌رنگ بودن یکی نسبت به دیگری، اجتناب‌ناپذیر شده است. در کشورهای در حال توسعه، این مسأله جدی و به طور فاحشی به چشم می‌خورد. در این دسته از کشورها، آمایش سرزمین به نحو مناسب و بهینه انجام نگرفته است و مناطق مرزی، با مشکلات کاهش و یا نبود مؤلفه‌های توسعه و امنیت مواجه هستند. مناطق مرزی بخشی از سرزمین کشور هستند که دروازه ورود کالاها، انسان و فرهنگ محسوب می‌شوند. در واقع «شهرهای بزرگ و کوچک واقع در مناطق مرزی، هدف اصلی تأثیرات مرزی هستند. آنها نه تنها موتورهای توسعه اقتصادی هستند، بلکه مراکز نوآوری‌های فرهنگی، تحولات اجتماعی و تغییرات سیاسی نیز می‌باشند» (Karimi and et al., 2018 : 73). البته در هر کشوری، مناطق مرزی دارای ویژگیها و کارکردهای متفاوت و خاصی با توجه به موقعیت آن مناطق در ارتباط با همسایگان می‌باشد. ولی مسأله توسعه و امنیت، مؤلفه‌های محوری در تمام اینگونه مناطق می‌باشند که در برخی کشورها، در سطح مناسبی قرار دارند و در بیشتر دیگر کشورها، این مؤلفه‌ها، وضعیت خوبی ندارند. این موضوع زمانی بیشتر خودش را نمایان می‌کند که مناطق مرزی در مرزهای طولانی با همسایگان قرار داشته باشند که نیاز به راهکارهای گوناگون برای حل مشکلات مرزی احساس می‌شود. بنابراین در این حالت، عدم تعادل و توازن میان مناطق مرزی و مرکزی کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه و جهان سوم ایجاد خواهد شد. «عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی، دو تأثیر منفی بر روند توسعه این مناطق از خود بر جای می‌گذارد. از یکسو، حرکت توسعه در مناطق مرزی را، در مفهوم کلی آن، با مشکل مواجه می‌سازد و موانع بسیاری سر راه آن قرار می‌دهد و از سوی دیگر، ناامنی را هم به دلیل موقعیت مناطق مرزی و هم به دلیل نبود توسعه، گسترش عمومی می‌دهد. این تأثیرات متقابل توسعه و امنیت به شکل زنجیره‌ای، به یکدیگر مرتبط و مجموعه‌هایی از کنشها و واکنشهایی ایجاد می‌کنند که جوهره توسعه پایدار مناطق مرزی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد» (Jalaliyan, 2019: 64-63).

آمایش سرزمین مقوله مهمی برای مدیریت بهینه مکانها است. مناطق مرزی در صورتی که در فرایند آمایش قرار بگیرند و به نحو مناسبی مدیریت شوند، می‌توانند در توسعه سرزمین کشورها تأثیرات دوچندانی داشته باشند. اما مناطق مرزی ایران، از عدم تعادل و عدم توسعه‌یافتگی برخوردارند. در مرزهای شرقی، مناطق مرزی با موضوعات و تهدیدات خارجی از قبیل قاچاق مواد مخدر، شرارات و ناامنی، تروریسم، مسائل قومی و مذهبی و بی‌ثباتی سیاسی افغانستان دست به گریبان است. ایران از سمت شرق با دو کشور افغانستان و پاکستان هم مرز می‌باشد؛ کشورهایی که به دلیل دوره‌های طولانی تنش و بی‌ثباتی، نقش زیادی در ایجاد ناامنی در مناطق همجوار خود از جمله ایران داشته و دارند. از آنجا که کنترل مؤثر مرزها نیاز به هزینه هنگفت و سنگین، سیستم‌های کنترل منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان یافته ویژه مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت‌های همسایه و حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی دارد، در بین کشورهای جهان تنها دولتهای معدودی، قادر به ایجاد سیستم مدیریت مؤثر بر اداره مرزهایشان شده‌اند و بسیاری از کشورهای دیگر از جمله ایران از عهده تهیه و تنظیمی مکانیزمی مناسب و کارآمد بر اداره مرزهای کشور برنیامدند (Karimipour, 2000 : 221). همچنین، هنوز منطقه پیرامونی ایران فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه شده است. تروریسم، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی- مذهبی، جرایم سازمان یافته، دولتهای ضعیف و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله چالش‌ها و موانع امنیتی عمده‌ای است که ایران در پیرامون خود با آنها روبروست (Snayder, 2011 : 295). پس از سرنگونی طالبان توسط نیروهای آمریکایی، آمریکایی‌ها در مناطق مختلفی از

افغانستان حضور پیدا کردند و دست به احداث پایگاه‌های متعددی زدند که این امر، برای ایران تهدید محسوب می‌شود. علاوه بر بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان که از سال‌ها پیش معضل آوارگان افغانی، قاچاق مواد مخدر و دیگر مشکلات اجتماعی را برای ایران به وجود آورد است، فعالیت‌های جریان افراطی طالبان افزایش یافته و به تقابل و درگیری با ارتش آن کشور انجامیده است. در نتیجه با گسترش نفوذ و فعالیت جریان‌های افراطی مانند طالبان و القاعده در منطقه از یک سو و حضور نظامی امریکا به بهانه مقابله با تروریسم در کنار مرزهای شرقی ایران از سوی دیگر، کشور در معرض تهدیدات امنیتی فزاینده‌ای قرار گرفته است. پرداختن به تهدیدات مرز ایران و افغانستان، مسئله مهمی در ژئوپلیتیک کشور است. امنیت ملی و فراملی ما ایجاب می‌کند به شرق کشور و توسعه عمومی و امنیت آن بیشتر توجه نماییم. در عرف بین‌الملل، دو کشور هم‌مرز در تأمین مرز مشترکشان با یکدیگر همکاری داشته و پایگاه‌های مرزی قوی‌ای را سازمان‌دهی می‌کنند، اما متأسفانه این عرف در مرز میان ایران با افغانستان، شکسته شده است. کما اینکه به دلیل عدم توانمندی آنها در کنترل مرزهایشان، مأموران امنیتی و مرزی ما نه تنها مشغول تأمین امنیت مرزهای خودمان هستند بلکه ناگزیر از کنترل مرزهای افغانستان نیز می‌باشند (Karimipour, 2000 : 154).

در حال حاضر می‌توان گفت که در مرزهای شرقی، مرز ایران و افغانستان از مرزهای ناآرام کشور است؛ بدین صورت که به علت وضعیت طبیعی و جغرافیایی و همچنین اوضاع داخلی افغانستان، افغانها به طور غیرمجاز در طول نوار مرزی تردد داشته و عده‌ای از آنان نیز در شهرها و روستاهای حاشیه مرز ساکن هستند و سکونت غیرمجاز و گسترده افغانها در حاشیه مرز علاوه بر ایجاد مسائل سیاسی و مشکلات فرهنگی، بهداشتی و رفاهی در منطقه، موجب بروز مشکلات دیگری نظیر حمل مواد مخدر، کالای قاچاق، سرقت و ناامنی شده است. دولت جمهوری اسلامی ایران با احداث جاده‌های مرزی و پاسگاه‌های انتظامی و استقرار نیروهای نظامی در حفظ و کنترل ورود کالای قاچاق و مواد مخدر و فراهم آوردن امنیت فعالیتهای چشم‌گیری داشته است و این به منظور اهمیت مرزهای شرقی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک کشور می‌باشد. در شرق کشور، استان خراسان جنوبی به عنوان یکی از مناطق مرزی، با چالشهای توسعه ناکافی و ناامنی مواجه است. آمایش این استان، علاوه بر مسایل و مشکلات داخلی، از تهدیدات خارجی نیز متأثر شده است؛ چالشهای سیاسی - اقتصادی که در کشور افغانستان اتفاق می‌افتد، روند توسعه و امنیت در خراسان جنوبی را با مشکلاتی مواجه کرده است. لاجرم، هدف این است که تهدیدات خارجی که از وضعیت موجود در کشور افغانستان شکل گرفته‌اند و بر توسعه و امنیت منطقه مرزی استان خراسان جنوبی تأثیر می‌گذارند بررسی شوند. سوال اصلی مطرح شده این است که استان خراسان جنوبی به عنوان منطقه مرزی در شرق کشور با چه تهدیدات خارجی برای توسعه و ایجاد امنیت مواجه است؟ انگاره حاصل این پاسخ را به سوال می‌دهد که استان خراسان جنوبی به عنوان منطقه مرزی در شرق کشور با تهدیدات خارجی همچون قاچاق مواد مخدر، شرارات و ناامنی، تروریسم، مسائل قومی و مذهبی و بی‌ثباتی سیاسی افغانستان برای توسعه و ایجاد و برقراری امنیت پایدار مواجه است. این پژوهش از نظر نوع، کاربردی و از نظر روش، کیفی و با ماهیت روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. برای انجام کار، سند پایه آمایش سرزمین استان خراسان جنوبی که در سال ۹۶ تهیه گردیده است و ملاحظات دفاعی - امنیتی پیوست آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در تحلیل نقش تهدیدات خارجی در آمایش این استان، از نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر، بهره برده شده است. قابل ذکر است که بررسی تهدیدات ذکر شده با نگاه به مسایل چالش‌زا در کشور افغانستان مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

وقتی صحبت از توسعه و امنیت می‌شود، آنچه که به ذهن متبادر می‌گردد چگونگی روند و فرایند آمایش است، که نشان از آرایش کردن، آراسته کردن، منظم و مرتب کردن می‌باشد. در مفهوم آمایش برای مکان و سرزمین، «معنی آمایش، "مدیریت سرزمین" است که متأثر از دیدگاه زیست‌محیطی است که می‌توان به "ایجاد نظم بین روابط انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسانی به منظور پیشرفت و بهره‌برداری درست از تمام امکانات انسانی و فضای سرزمین در جهت و بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماعی در طی زمان" اشاره کرد» (Azimi and Goudarzi, 2012 : 91). به بیان ساده می‌توان گفت که انسان باید آنگونه از سرزمین و مکان زیست خودش استفاده و بهره‌وری نماید که مشخصه‌های طبیعی (اکولوژیکی) سرزمین بروزی می‌دهد و دیکته می‌کند و سپس این مشخصه‌ها را با نیازهای مختلف خود یعنی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وفق دهد. امروزه، آمایش سرزمین مجموعه‌ای از دانش‌های جدید است که به طور هماهنگ و مختلط با هم، اقدام می‌کنند. متخصصان رشته‌های گوناگون اعم از علوم اجتماعی، مهندسی و جغرافیا با مشارکت گروهی و گفت‌و شنود منطقی می‌توانند در محدوده مسایل آمایش سرزمین مطالعه و برنامه‌ریزی نمایند (Makhdoum, 2011 : 16-19). در واقع مطالعه آمایش سرزمین نظم نوینی از سازماندهی منابع طبیعی فعالیت‌های انسانی را بر پهنه سرزمین مهیا می‌سازد و به سازماندهی منطقی و معتدل فضای موجود حیاتی برای هر گونه تجمع انسانی می‌پردازد. آمایش سرزمین بر دیدگاه فضایی (مکانی و جغرافیایی) در برنامه‌ریزی توسعه تأکید خاصی دارد (Selahkar and Zibandehkpth, 2015 : 43-44).

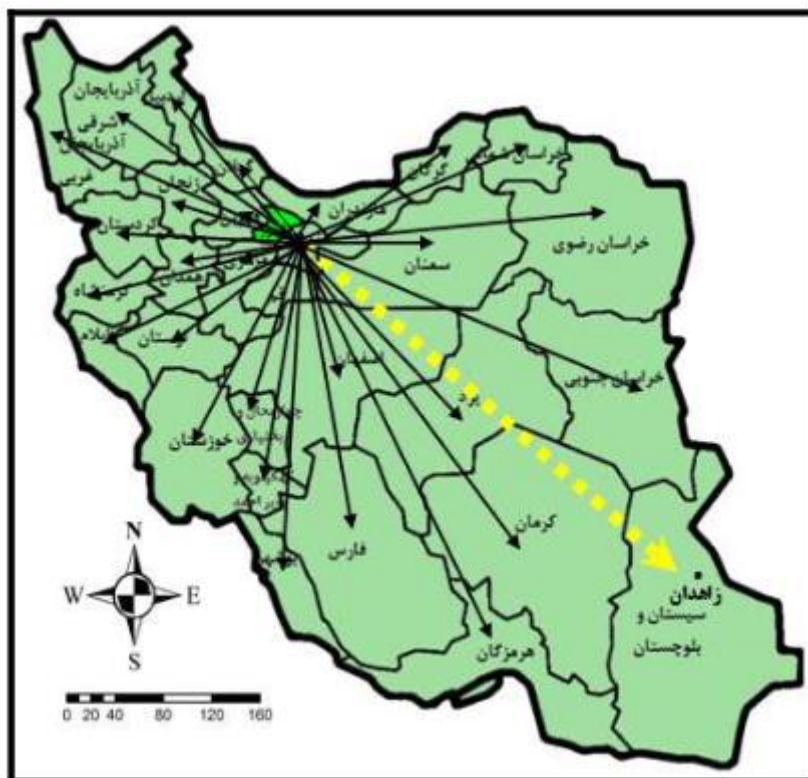
در آمایش سرزمین مناطق مرزی، مفهوم مرز، کاربردی اساسی دارد، زیرا که قلمرو حکومتها را با همسایگان تعیین می‌کند. به این دلیل گفته می‌شود کاربردی اساسی زیرا در قلمرو داخلی، مرزهای واحدهای استانی و شهرها اگر برای آمایش سرزمین تلاقی کنند ناامنی و مشکلی را ایجاد نمی‌کند به این دلیل که توسعه واحدهای سیاسی داخلی به یکدیگر وابسته هستند ولی در مرزهای بین‌المللی این مسأله، باید کنترل شده و در حیطه قلمرو کشورها باشد. مرز، خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ای سیاسی پیدا می‌کند (Mojtahedzadeh, 2007 : 40). اصطلاح مرز به معنای خط جدایی و یک سیگنال هشدار دهنده برای عبور از یک خط بین مجاز و ممنوع است (Durand, 2017 : 580). مرز، تعیین کننده حدود و قلمرو حاکمیت، صلاحیت و مالکیت یک حکومت یا نظام سیاسی است و کشورها و دولت‌ها را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کند (Hafezniya, 2013 : 310). مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و... ایجاد می‌کند (Draysdl and Belik, 1997 : 101). مرز، مفهومی از بیرون به درون است و خط مشخصی است که جدایی را نشان می‌دهد (Taylor, 2000 : 14). مرزهای بین-المللی، در شکل‌دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی میان حکومتها نقش برجسته‌ای به عهده دارند. مرزها کنش متقابل مرزنشینان را بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. شکوفایی و زوال شهرها و حوزه/حوضه نفوذ آنها در مجاورت مرز بستگی به این دارد که خط مرزی نقش‌های جدیدی برای آنها پدید آورد یا برعکس، حوضه طبیعی آنها را بر هم زند. در میان گونه‌های مختلف مرز، مرز بین‌المللی به این دلیل که در آن، بیش از سایر انواع دیگر، امکان بروز اختلاف و منازعه سیاسی وجود دارد از اهمیت بیشتری برخوردار است (Mirhydar, 2006 : 161).

به طور کلی به نظر می‌رسد که امنیت یک کالای جهانی است که همه اعضای جامعه سعی می‌کند آن را به دست بیاورند (Mandel & Robert, 2008 : 24). با توجه به تغییر ماهیت تهدیدها و نیز تغییر ماهیت امنیت پس از دوران جنگ سرد علاوه بر ابزار نظامی، استفاده از مؤلفه‌های غیرنظامی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به مطالب فوق، مؤلفه‌های اصلی امنیت عبارتند از : توانمندی سیاسی، مشروعیت سیاسی، توانمندی اقتصادی، تساهل قومی مذهبی، دسترسی به منابع طبیعی

حیاتی (Martin, 2003 : 38). امنیت ملی در گونه‌های بسیار مختلفی تعریف شده است و هر تعریفی در واقع به بعد تازه آن پرداخته است. به طور کلی، تعریف امنیت ملی متناسب به وضع نوین جهانی عبارت است از: دستیابی یک ملت به امکانات و توانمندی‌ها و ابزارهایی که بتواند با تمسک به آنها از تهدیدات خارجی و داخلی در امان بوده و سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بیگانه را دفع کند، از ارزشهای حیاتی خود در صلح و جنگ دفاع نماید از موجودیت کشور و تمامیت ارضی آن حفاظت کند، سیر صعودی در افزایش قدرت و توان ملی در عرصه‌های مختلف داشته باشد و در راه پیشبرد توده متوازن و پویا و تحکیم وحدت ملی و ارتقای سطح مشارکت سیاسی جامعه موفق باشد (Moradiyan, 2011 : 14-18). برژینسکی به بهترین وجهی، موضوع ماهیت امنیت ملی را که در «چند بعدی بودن» آن دانسته است، بیان داشته: «منظور من از امنیت ملی، یعنی امنیت نظامی صرف نیست؛ گرچه قدرت نظامی یکی از ابعاد مهم رقابت تاریخی آمریکا و شوروی است؛ در عوض معتقدم که امنیت ملی ملاحظات بیشتری را در بر می‌گیرد؛ از جمله زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیک، حیات ایدئولوژیک و ...، تلاش برای نیل به امنیت ملی بدون عنایت به چنین ملاحظاتی چندان مؤثر نخواهد بود و احتمالاً به شکست می‌انجامد» (McCain Lai, 2001 : 189).

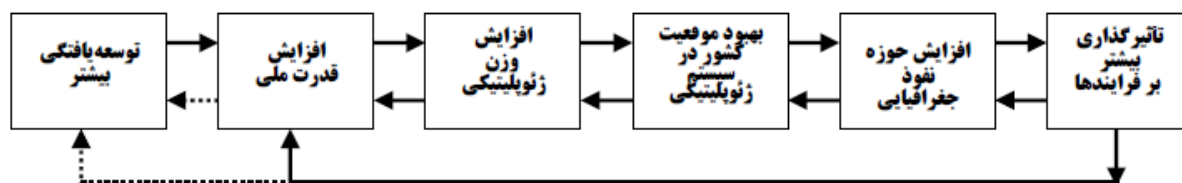
امروزه، توسعه به پیشبرد امنیت ملی و امنیت ملی به توسعه کمک می‌کند و مکمل یکدیگر هستند. از این رو این دو مؤلفه، برای دولتها در رأس برنامه‌ریزیها قرار دارند و می‌توان گفت که تمام اقدامات دولتها درون سرزمین باید در راستا و دستیابی به این دو، باشد. نبود توازن در فرایند توسعه بین مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تسریع نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در این فرایند است. از نمونه روشهایی که دولتها برای رسیدن به امنیت پایدار، توسعه هماهنگ و کاهش آسیب-پذیری سرمایه‌های حیاتی جامعه در برابر تهدیدات در دستورکار خود قرار داده‌اند، آمایش سرزمین است. مسلماً روند توسعه پایدار هر کشوری و هر سرزمینی در معرض انواع تهدیدات و خطرات قرار می‌گیرد که حرکت توسعه در آن کشور و سرزمین را دچار اختلال، ناهماهنگی، مشکلات و بحرانهایی می‌سازد. از این رو این موانع و تهدیدات را باید شناخت و برای رفع و برطرف کردن یا کاهش آنها اقدام کرد (Ahmadi and et al., 2018 : 36). این تهدیدات در مناطق مرزی بیشتر وجود دارد و این مناطق با مسایل عدیده‌ای در راستای توسعه و امنیت مواجه هستند. برای دستیابی به توسعه و امنیت، آمایش سرزمین لازم است. «آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که اینگونه مناطق دارند به همدیگر ارتباط می‌دهد و راهکارهایی برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در این حالت توسعه و امنیت لازم و ملزوم یکدیگر هستند. از گذشته‌های دور مناطق مرزنشین به دلیل ناتوانی‌های بالقوه، جزء مناطق منزوی محسوب می‌شدند، بنابراین شهرها [و روستاهای] واقع در این مناطق بسیار محدود و از توسعه پایینی برخوردارند. با جهانی‌شدن صنعت، تجارت، امور مالی و تغییرات در نظام بین‌المللی، تفکرات ژئواستراتژیک به سوی باورهای جغرافیای اقتصادی مرزها معطوف شد. به گونه‌ای که تحول در کارکردهای مرز و نگرش به آن، به عنوان یک فرصت اقتصادی از سوی نظام‌های سیاسی حاکم، موجب افزایش جمعیت در مناطق مرزی شده و شرایط جدیدی را رقم زده است. این شرایط جدید، مرکز را وادار به تجدیدنظر در روابط خود با پیرامون کرده است. از آنجا که امروزه، مناطق مرزی و شهرهای واقع در آن، برای بسیاری از کشورها فرصت، تلقی می‌شود و توسعه شهرها [و روستاها] می‌تواند در همکاری‌های بین مرزی مؤثر باشد، توجه بیشتر به این شهرها [و روستاها] برای نیل به توانمندی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. جایگاه توسعه این [مکانها] و پتانسیل آنها، در حوزه آمایش سرزمینی قرار دارد، زیرا آمایش، استفاده بهینه و عقلانی از فضا به منظور کارکردهای مؤثر اقتصادی و

اجتماعی است» (Parniyan and et al., 2017 : 175) (Karimi and et al., 2018 : 73-74). در واقع، توسعه متوازن فضایی بر افزایش قدرت ملی اثر می‌گذارد و افزایش قدرت ملی توسعه‌یافتگی بیشتر را به همراه دارد.



شکل شماره ۱: نقشه اهمیت فاصله جغرافیایی [استانها] از مرکز سیاسی کشور

(Izadi and Dabiri, 2013 : 105)



مدل شماره ۱: تأثیر سطح توسعه‌یافتگی بر میزان تأثیر گذاری [حوزه نفوذ] کشور در نظام ژئوپولیتیک

(Ahmadipour and et al., 2007 : 30)

برای توسعه مناطق مرزی، در انتخاب نظریه و رویکرد تئوریک باید به چارچوب توسعه منطقه‌ای نظر داشت. به دلیل اینکه مناطق مرزی با مناطق مرکزی در مشخصات توسعه و امنیت متفاوت هستند، این چارچوب نظری بر تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای به عنوان محور بحث می‌چرخد. این نظریه‌ها یا پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را تفسیر می‌کنند و یا برای رفع آن راه‌حل ارائه می‌دهند. مهمترین پایه‌های نظری توسعه منطقه‌ای که در آمایش مناطق مرزی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند، نظریه‌های: مکان مرکزی والتز کریستالر^۱، قطب رشد پیرو^۲، مرکز-پیرامون جان فریدمن^۳ و همچنین نظریه‌های مدیریت مناطق

¹. Walter Christaller (Central Place Theory)

². Perroux (Growth Pol)

³. John Freedman (The Periphery- Core Theory)

مرزی مانند نایلز هانسن (۱۹۷۸) و فلیپ جونز و ترور وایلد^۱ (۱۹۹۴) می‌باشند (Azimi and Goudarzi, 2012 : 94-95) (Karimi and et al., 2018 : 76). برای جلوگیری از اطاله کلام، فقط به نظریه مکان مرکزی کریستالر اشاره می‌شود که با توجه به موضوع این مقاله، رویکرد به این نظریه در تحلیل متغیرهای مطرح شده می‌تواند بهتر به تبیین آنها کمک کند.

با بررسی و رویکرد به نظریه مکان مرکزی در ارتباط با مناطق مرزی و سطح آمایش انجام گرفته در این مناطق، مشاهده می‌شود به نسبتی که مناطق مرکزی در کشورها، توسعه یافته‌اند، مناطق مرزی با توجه به شرایط خاص خودشان، از سطح توسعه برخوردار شده‌اند. از این رو «آمایش مناطق مرزی نشان می‌دهد که توسعه مناطق مرزی با توسعه کل کشور در ارتباط است و ایجاد تعادل منطقه‌ای و دستیابی به دیدگاه جامع در برنامه‌ریزی توسعه مناطق مرزی با بررسی نحوه اولویت‌دهی به برنامه‌های توسعه، قابل حصول است. مرزها به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز، اولاً، مورد بی‌توجهی کامل قرار می‌گیرند، زیرا امکان بهره‌برداری از منابع آنها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است و ثانیاً به دلیل بی‌توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق نیز به سوی مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک به آن تمایل می‌یابند. همچنین به دلیل تأخیر در تأثیرپذیری و بهره‌مندی مناطق مرزی از مرکز منطقه، سرعت توسعه‌یافتگی در مناطق مرزی به کندی انجام می‌شود» (Karimi and et al., 2018 : 76-77).

شکل‌گیری رابطه مرکز-پیرامون در داخل کشور، شرایط جدیدی را بوجود می‌آورد که این شرایط، مراکز را به بازنگری در روابط خود با پیرامون و حاشیه ملزم می‌کند. این رابطه جدید میان مرکز-پیرامون کاملاً با شرایط قبل متفاوت است و به ایجاد همگرایی میان آنها منجر می‌گردد، که در صورت موفقیت، نگاه جمعیت مرزنشین به سوی داخل و همگرایی سوق پیدا می‌کند، در این حالت، توسعه فضایی مناطق مرزی بوجود می‌آید (Ahmadi and et al., 2018 : 39). در نظریه مکان مرکزی، عامل مشخص‌کننده مرز مناطق، بهره‌برداری از خدمات و سرمایه‌گذاری در آن حوزه است. محل تلاقی مرزها در این نظریه از توانایی انتخاب برخوردارند که به کدام مرکز وابسته باشند و امکانات دریافت کنند. یک سلسله‌مراتب مرزبندی در مناطق تقاطع حوزه‌های نفوذ مکانهای مرکزی وجود دارد (Parniyan and et al., 2017 : 177).

بر اساس نظریه مکان‌های مرکزی، که مفاهیم مرز مناطق و عدم تعادل بین مرکز-پیرامون را با یکدیگر تبیین می‌کند، با بررسی اجمالی استان خراسان جنوبی به عنوان منطقه مرزی در شرق کشور، در مقایسه با مناطق مرکزی کشور، شاخص‌هایی مانند میزان مواد مخدر، شرارات و ناامنی، تروریسم، مسائل قومی و مذهبی و بی‌ثباتی سیاسی افغانستان از مهمترین تهدیدات خارجی فراوری توسعه و امنیت در آمایش این استان محسوب می‌گردد. با توجه به نظریه کریستالر، تعادل و توازن در مناطق مرزی با مناطق مرکزی درون کشور، فاصله زیادی دارد و نیاز به توسعه و برنامه‌ریزی صحیح در عرصه مدیریتی کشور در سطح محلی و ملی مشاهده می‌شود. شاخصهای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی نشان‌دهنده این مسأله هستند که ایران دارای ساختار فضایی مرکز-پیرامون هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی می‌باشد. در مقیاس کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامون، از توسعه یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است. این نسبت در مناطقی از حاشیه که از حیث متغیرها و نیروهای ژرف با بخش مرکزی نامتجانس هستند، به کمترین میزان می‌رسد. این نابرابری، شائبه وجود تبعیض در سیاست و اقدامات اجرایی دولت مرکزی را تقویت و اعتماد بخش حاشیه را از بخش مرکزی و دولت مرکزی سلب می‌کند و پتانسیل واگرایی در این مناطق را افزایش می‌دهد. بعضی مطالعات انجام شده عدم تعادل و شکاف نابرابریهای منطقه‌ای در کشور را حتی بیشتر از ۱۰ برابر دانسته و اعلام می‌کنند که

¹. Philip Jones & Trevor Wild

در توسعه کشور الگوی مرکز-پیرامون حاکمیت شدیدی دارد، به طوری که بیشتر شهرستانهای عقب مانده در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور و در مناطق کوهستانی قرار دارند (Ahmadipour and et al., 2007 : 26).

مشخصه‌های مناطق مرزی

فیلیپ جونز و ترور وایلد با تکیه بر پایه‌های نظریه مکان مرکزی کریستالر و کارهای لوش^۱ ابراز کردند که توسعه نیافتگی مناطق مرزی مربوط به دو محور محدودیتهای تجارت خارجی در نواحی مرزی و تهدیدهای نظامی و عوامل ناامنی است. آنها بیان می‌کنند که شهرهای واقع در نواحی مرزی، در توسعه خود با محدودیتهایی روبه‌رو هستند. آنان همچنین به پیروی از روملی و مینچی (۱۹۹۱) معتقدند که نواحی مرزی، علاوه بر پدیده‌ی توسعه نیافتگی ناشی از موقعیت جغرافیایی خود همچون دور از مرکز، تأثیر مستقیم مرزها را در ساختار فضایی و کالبدی آنها منتقل می‌کنند (Shateriyan and et al., 2013 : 162). «نکته قابل تأمل این است که در استانهای مرزی برخوردار از ضعف اقتصادی و فرهنگی، سطوح دغدغه‌های امنیتی نیز گسترده‌تر است. به همین منظور شناسایی و مهار پارامترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که قابلیت تبدیل به تهدید امنیتی را دارند، باید با توجه به مؤلفه‌های امنیتی مورد توجه قرار گیرند؛ زیرا در صورت بالا بودن ضریب رکود اقتصادی، بیکاری و فقر نمی‌توان نسبت به تحقق امنیت فراگیر در سطح [استانهای مرزی] خوشبین بود» (Sarvar and et al., 2014 : 27-29). «توسعه نیافتگی اقتصادی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش برخی از مشکلات مرزی مانند قاچاق کالا، مواد مخدر، سرقت و غیره را فراهم کرده و از تخلیه‌ی جمعیت مناطق مرزی جلوگیری کند. وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرز، در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با امنیت منافع ملی کشورها در تضاد است، در شکل‌گیری اقدامات توسعه‌ای، از جمله بازارچه‌های مرزی، مؤثر بوده است. بر اساس مطالعات انجام شده امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا، رابطه‌ی مستقیم و دوسویه‌ای با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که هر اقدام در فرایند دستیابی به توسعه، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و برعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته برخوردارند» (Shateriyan and et al., 2013 : 163). وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز و آسیب‌پذیری و تهدیدات مختلف در این مناطق اهمیت ویژه‌ای را در فرایند برنامه‌ریزی، توسعه، آمایش سرزمین به مناطق مرزی داده است که در صورت غفلت از آنها به طور جد شاهد چالش‌های عمده-ای از جمله عدم ثبات جمعیتی مناطق مرز نشین خواهیم بود (Mohamadi and Fakhrfatemi, 2005 : 55). مشخصات و خصوصیات مرزهای زمینی مشترک ایران با کشورهای همسایه باعث ایجاد و بروز مشکلات و چالش‌های زیادی شده است. عمده‌ترین این مشکلات و چالش‌ها که به شکل تهدیدات برای توسعه و امنیت و مؤثر در طرح آمایش دفاعی-امنیتی هستند در جدول شماره ۱ آورده شده است.

در حال حاضر مناطق مرزی و تأثیرات مرزی توجه زیادی را در فعالیتهای سیاسی و تحقیقات اقتصادی جلب کرده است (Nibour and Stilr, 2002 : 1) برای درک مفهوم کشور همسایه و منطقه مرزی باید زمینه‌هایی غیر از مرزهای کشور-ملت در نظر گرفته شود زیرا درک مفهومی تحت عنوان کشور همسایه و منطقه مرزی به انواع خاصی از فعالیتهای مرزی و ارتباطات با کشور همسایه متکی است (Shouk, 2001 : 99). «مطالعات در ایران و جهان حاکی از آن است که شرایط توسعه نیافتگی در مناطق مرزی، همواره مشکلات و چالش‌های گسترده و اساسی زیادی چون، انواع قانو شکنی‌ها و قانون‌گریزها را به دنبال خود

¹. Losch

داشته است. بر این اساس، ویژگیهایی که در مناطق مرزی به گسترش جرم و قانون‌گریزی منجر شده، توسعه‌ی ناموزون و ناعادلانه‌ی مناطق مرزی است که قاچاق کالا یکی از پیامدهای شوم توسعه‌ی ناموزون و ناعادلانه است» (Shateriyan and et al., 2013: 162).

جدول ۱. مؤلفه‌ها و مشخصات مناطق مرزی کشورها

مؤلفه	مشخصات
دوری از مرکز	بیانگر فاصله مکانی - جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه‌ای بودن	مناطق مرزی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت‌های عمیق عملکردی - ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت	به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی که به طور معمول مناطق با طبیعت خشن و صعب‌العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات	مناطق مرزی با توجه موقعیت مراوده‌های خود در مرز سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنشهای اقتصادی ویژه برخوردارند.
تفاوت‌های فرهنگی و قومی و نژادی	در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده‌ای داشته و تنوع قومیتها در آن شدید است، مسأله تفاوت‌های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی و مرزی حالت شدیدتری به خود می‌گیرد.
تهدیدهای خارجی	مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای همجوار، ممکن است با تعارضهای سیاسی همراه باشند.
ساختار دوگانه و دوگانگی نظام‌مند	در نگرش نظام‌مند به عناصر سرزمین ملی مشاهده می‌شود که به طور معمول، مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضهای توسعه‌ای در کشور می‌شود.

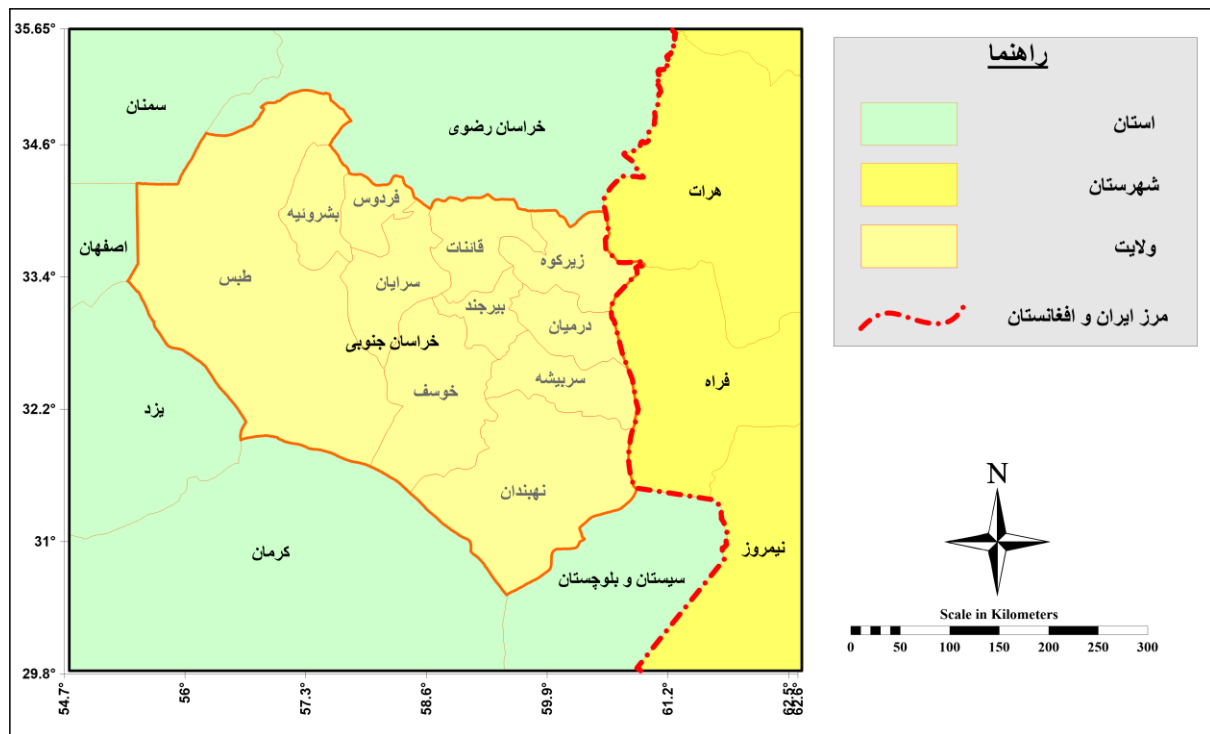
(Aftab and Houshmand, 2018 : 162)

محدوده مورد مطالعه

استان مرزی و حاشیه کویری خراسان جنوبی، از سمت شرق ۳۳۷ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان (۲۵۶ کیلومتر با ولایت فراه و ۸۱ کیلومتر با ولایت هرات) دارد. خراسان جنوبی در بین سه استان خاوری ایران بیشترین همجواری (۳۳۷ کیلومتر) را با کشور افغانستان دارد و در بین شهرستانهای استان خراسان جنوبی، چهار شهرستان موقعیت مرزی دارند که به ترتیب از شمال به جنوب عبارتند از: شهرستان زیرکوه، شهرستان در میان، شهرستان سریشه، شهرستان نهبندان. در بین این شهرستانها، شهرستان زیرکوه با دو ولایت (هرات و فراه) و سه ولسوالی غوریان، ادرسکن و اناردره همجوار است، شهرستان درمیان با ولسوالی اناردره، شهرستان سریشه با ولسوالی‌های قلعه کاه، شیب کوه و قسمت کمی از ولسوالی لاش و جوین همسایه است. شهرستان نهبندان نیز با ولسوالی لاش و جوین همجوار است (South Khorasan Governor's Archive, 1398).

استان خراسان جنوبی به عنوان یک منطقه مرزی، از نظر شاخصهای توسعه‌یافتگی بر اساس مطالعات انجام گرفته در سال ۱۳۹۰ دارای رتبه ۰/۴۲۹ بوده است که یکی از استانهای محروم و توسعه نیافته محسوب می‌شود. در این تحقیق، درجه توسعه -یافتگی استانهای کشور با استفاده از ۱۵ شاخص و بر اساس مدل تاکسونومی عددی مورد محاسبه قرار گرفته است. آنچه که قابل توجه می‌باشد وضعیت استانهای همسایه با خراسان جنوبی و رتبه آنها است. استان سیستان و بلوچستان به عنوان همسایه جنوبی دارای پایین‌ترین رتبه، یزد و سمنان نیز جزء رتبه‌های پایین و استانهای خراسان رضوی، کرمان و اصفهان در رتبه‌های بهتری قرار دارند. بنابراین از نظر مراودات با استانهای همسایه داخل کشور و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز منطقه مرزی جنوب شرق ایران در یک ساختار با سطح توسعه‌یافتگی پایین قرار دارد. همچنین استانهای فراه، هلمند و نیمروز در افغانستان

که هم مرز با ایران هستند نیز از فقیرترین مناطق آن کشور می‌باشند. این درحالی است که توسعه و امنیت رابطه‌ای دوطرفه دارند و این نابرابری فضایی در سطح سرزمینی کشور می‌تواند امنیت ملی را با چالشهایی مواجه کند و به مخاطره بیندازد (Etaat and Mosavi, 2011 : 82-84) (Abasi, 2012 : 197).



شکل شماره ۲: نقشه موقعیت همجواری استان خراسان جنوبی با ولایت‌های افغانستان

Drawing: Writers, 1399

جدول شماره ۲: جمعیت استان خراسان جنوبی به تفکیک نقاط شهری و روستایی - سال ۱۳۹۵

استان	جمعیت	مرد	زن	خانوار
خراسان جنوبی	۶۶۲۵۳۴	۳۳۲۷۳۹	۳۲۹۷۹۵	۱۸۳۵۶۸
نقاط شهری	۳۷۱۰۵۴	۱۸۸۳۲۲	۱۸۲۷۳۳	۹۹۱۴۰
نقاط روستایی	۲۹۱۴۳۵	۱۴۴۳۹۵	۱۴۷۰۴۰	۸۴۴۱۷
غیرساکن	۴۵	۲۲	۲۳	۱۱

Iran Statistics Center website, 2016

یافته‌های پژوهش

مرزها برحسب نوع و کارکردشان، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر چگونگی فعالیت‌های اقتصادی، روابط و مبادلات مرزی مرزنشینان دارد. به هر میزان که صادرات و واردات بین دو کشور همسایه بیشتر باشد، طبیعتاً مرزها اهمیت اقتصادی بیشتری پیدا می‌کنند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که با وجود افت‌وخیزهای مختلف در روند صادرات و واردات کالا در بازارچه‌های مرزی، فعالیت‌های اقتصادی و تجاری این بازارچه‌ها را به رشد واداشته و به طور گسترده بر دامنه اشتغال و درآمد در این بازارچه‌ها افزوده شده است. برای مثال، فعالیت‌های مربوط به بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی در طی پنج سال

(۱۳۸۵-۱۳۸۹) مورد مقایسه قرار گرفته است نشان می‌دهد در طی این مدت میزان صادرات و واردات کالا سال به سال افزایش پیدا نموده است. این شرایط ضمن آن که درآمد و اشتغال در این گونه مناطق را به شکل چشمگیری بهبود بخشیده، در رفاه و بهزیستی مردم منطقه نیز نقشی غیر قابل انکار داشته است. علاوه بر بهبود وضعیت زندگی مردم در این مناطق، صادرات کالا بر رونق صنایع و سایر عرصه‌های تولیدی نیز اثر گذار بوده و سطح اشتغال و درآمد را در سایر نقاط استان بهبود بخشیده است. در واقع چون تمرکز فعالیتهای صنعتی و تولیدی اساسی در مناطق مرزی به دلیل شرایط امنیتی امکان‌پذیر نمی‌باشد، مردم به این باور می‌رسند که دولت نگاهی متفاوت نسبت به مناطق حاشیه و مرکز دارد. اما با مدنظر قرار دادن اقداماتی که به بهبود شرایط زندگی مردم منجر می‌شود، آنها روزبه‌روز از این باور دورتر شده و اعتماد به نفس بیشتری برای انجام اقدامات ابتکاری به دست می‌آورند. بنابراین با توسعه بازارچه‌های مرزی تنها اشتغال در فعالیت موجود در داخل بازارچه و آنچه تحت عنوان اشتغال مستقیم از آنها یاد می‌شود، بهبود پیدا نمی‌کند، بلکه این وضعیت سایر شرایط اقتصادی را متحول نموده و آثار و پیامدهای چندجانبه خود را بر نواحی پیرامونی بر جای خواهد گذاشت (Ghysari and Khajavi, 2012 : 1013).

اصولاً مرزهای هر کشور صرفنظر از این که حافظ موجودیت آن نظام هستند، بزرگترین تأثیر را در امنیت و استقلال و ژئوپولیتیک آن مملکت دارند. در خصوص آمایش مناطق مرزی ایران و افغانستان در مرزهای شرقی باید گفت که افغانستان تا آینده‌ای نامعلوم هم چنان در شمار کشورهای بی‌ثبات و چالش‌خیز جهان باقی خواهد ماند. در واقع تا زمان روی کار آمدن دولتی میانه‌رو، متمرکز و مورد پذیرش تمامی قبایل شمالی و جنوبی، این کشور صادر کننده انواع چالش و معضلات امنیتی و سیاسی به ایران و دیگر همسایگان خود خواهد بود. اگرچه روی کار آمدن دولت حنفی و ضد شیعی در افغانستان، باعث بروز تنش‌های گسترده با ایران است، اما منابع بحران زای این کشور را می‌بایست در عواملی چون: فقر، توسعه‌نیافتگی، رقابت‌های مستمر ژئوپولیتیک همسایگان و قدرتهای بزرگ، تنش‌های ایدئولوژیک برخاسته از مدرسه‌های دینی عربستان و شبه‌قاره، تولید مواد مخدر و ناهماهنگی‌های قومی و مذهبی جستجو کرد.

امروزه عدم وجود صلح و امنیت در افغانستان، وجود سیاست‌های اشغالگرانه آمریکا و خصوصاً سیاست‌های پنهان برخی کشورها به منظور انتقال مواد مخدر و باندهای قاچاق اسلحه و گروه‌های خرابکارانه به ایران مواردی است که همواره ایجاد ثبات امنیتی منطقه را به مخاطره افکنده است. مهمترین منابع تنش‌زای سیاسی - امنیتی در روابط ایران و افغانستان را می‌توان در مؤلفه‌های فعالیت اشراک و قاچاقچیان مواد مخدر در داخل و آنسوی مرزها، فعالیت گروه‌های تروریستی که اقدامات منفی سیاسی و ضد امنیتی مرتکب می‌شوند، حضور مهاجرین افغان و تبعات ناشی از این حضور، قاچاق و جرائم خشن، جستجو کرد. با حمله آمریکا به افغانستان و اشغال نظامی آن کشور، مناطق پیرامونی ایران تغییراتی را پذیرا شد و حوزه نفوذ سنتی ایران را محدود و در تنگنای شدید قرار داد. حضور آمریکا در افغانستان و در پاکستان (به طور غیرمستقیم و بر مبنای همکاری) موجب کاهش قدرت مانور ایران در افغانستان و گسترش حوزه ژئوپولیتیک آمریکا شد. اتمی شدن پاکستان و ظهور یک قدرت هسته‌ای در همسایگی ایران و همکاری استراتژیک این کشور با آمریکا در منطقه به ویژه در افغانستان و اختلال در شکل‌گیری روابط راهبردی ایران، روسیه، چین و هند و معرفی افغانستان به عنوان یک رقیب ژئوپولیتیک برای ایران از جمله مؤلفه‌های بسیار مهمی است که میزان آسیب‌پذیری ایران را در این حوزه ژئوپولیتیک به طور فزاینده‌ای بالا برده است (uonsiyan, 2001 : 57). همچنین عدم وجود ثبات سیاسی، اداری، اقتصادی در افغانستان از چندین دهه قبل به ویژه بعد از خروج شوروی سابق از این کشور تاکنون همواره منشأ بروز مشکلاتی در مرزهای شرقی کشور بوده است. به طوری که از

۱۳۰ سال پیش بدین سو، افغانستان دست کم شش بار کانون انتشار امواج بحران‌زا به دولتهای همجوار به ویژه ایران و پاکستان بوده است (Zarghani, 2007: 16).

استان خراسان جنوبی در شرق کشور از جمله مناطقی است که نسبت به سایر مناطق در کشور در سطح نازلی از توسعه و برخورداری قرار دارد، همچنین به لحاظ امنیتی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی با تهدیدات بالقوه متعددی روبه‌رو است. برای مثال، نهبندان در این استان از جمله شهرستانهایی است که دارای مرز مشترک با کشور افغانستان بوده و کم توسعه یا توسعه‌نیافته می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهند که در شهرستان نهبندان مناطق روستایی نسبت به مراکز شهری از تراکم بیشتری برخوردارند و هم چنین میزان جمعیت در فضاهای روستایی از شهرها فزونی دارد. اما بررسی این توزیع فضایی - مکانی در دوره‌های مختلف زمانی، مؤید واگرایی روستائیان به سوی شهرها است و از جمله عوامل مؤثر در این موضوع، وضعیت نامطلوب خدمات بهداشتی و درمانی که در آستانه بحران ناامنی قرار دارد و هم چنین سطح درآمد پایین خانوارهای روستایی به دلایلی چون بهره‌وری پایین فعالیتهای اقتصادی در روستا، غلبه نظام خرده مالکی، درصد پایین تولید و مکانیزاسیون، و سرمایه کم آنان می‌باشد. وجود چالش روستاگریزی و واگرایی روستائیان در چرخه‌ای هم متأثر و هم اثرگذار بر مقوله امنیت و امنیت اقتصادی است (Falsolyman and Hojipour, 2012 : 877). به طور کلی، مهمترین چالش‌ها و تهدیداتی که خارج از مرزهای شرقی کشور، توسعه و امنیت منطقه مرزی استان خراسان جنوبی را در آمایش سرزمین با مانع مواجه می‌کنند عبارتند از :

الف) مواد مخدر

صدور مواد مخدر از افغانستان به ایران برای مصرف داخلی و انتقال به اروپا، در شمار منابع اصلی و فعال بودن تنش بین دو کشور بوده است (Karimipour, 2000 : 150). مهمترین چالش ایران با افغانستان، این است که ایران به رغم صرف هزینه‌های سنگین انسانی و مالی در طی سه دهه گذشته، همچنان با معضل مبارزه با قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران روبرو است. بر اساس برخی آمارهای منتشر شده، مواد مخدر مهمترین منبع اقتصادی مردم افغانستان است که آن کشور از این طریق سالانه بیش از ۱/۲ میلیارد دلار درآمد دارد. ایران به لحاظ همسایگی با افغانستان و به ویژه به این علت که راه عبور کاروان‌های قاچاق مواد مخدر است، لطمات زیادی را متحمل می‌شود. یکی از نتیجه‌های ورود کلان مواد مخدر از افغانستان به ایران، بالا رفتن آمار معتادان و جرم و جنایت‌های ناشی از ترانزیت و توزیع این مواد در کشور بوده است (Karimipour, 2000 : 151). مهمترین دلایل و چالش‌های تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان عبارتند از : ۱. گره خوردگی اقتصاد افغانستان با تجارت مواد مخدر، ۲. کم هزینه و سهل بودن کشت خشخاش، ۳. تقاضا، بستر ساز افزایش قیمت مواد مخدر، ۴. برخورد انفعالی دولت افغانستان با کشت خشخاش، ۵. نبود ثبات امنیتی در افغانستان، ۶. تأمین منابع مالی دولت از اقتصاد مواد مخدر، ۷. عملی نشدن کمک‌های مالی غربی‌ها به کشاورزان، ۸. پیش خرید تریاک توسط تجار مواد مخدر، ۹. وجود رقابت اقتصاد پنهان بین قوم پشتون و دیگر اقوام، ۱۰. دست نشانده بودن دولت افغانستان، ۱۱. افزایش گرایش به مصرف مواد مخدر (Ghonji, 2007 : 261-265).

قاچاق مواد مخدر و قاچاق کالا از جمله مسائلی است که هر سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان برای مهار آن نیازمند یک همکاری نزدیک و سازنده هستند. مواد مخدر همواره از دغدغه‌های جدی و اساسی برای ایران بوده است. حال آن که دولتمردان پاکستان و افغانستان به دلیل وجود مشکلات و چالش‌های سیاست داخلی کمتر به آن پرداخته‌اند و تا کنون مبارزه با معضل مواد مخدر از اولویت‌های اساسی در سیاست‌گذاری این کشورها برخوردار نبوده است. قاچاق مواد مخدر نفوذپذیری

مرزها را افزایش و به تبع آن سبب، افزایش تعداد درگیریها و تلفات، افزایش هزینه‌های کنترل مرز، آلودگی نیروهای مقابله‌کننده، تسهیل ورود سایر کالاهای قاچاق از مرزها، افزایش خروج غیرمجاز، تسهیل تردد اتباع بیگانه، گردیده است. به دلیل همجواری و هم مرز بودن با کشور افغانستان، استان خراسان جنوبی از ورود و قاچاق مواد مخدر متأثر می‌باشد. برای مثال، براساس سخنان «سرهنگ ناصر فرشید: مأموران پلیس در خراسان جنوبی طی ۶ ماه گذشته ۴۰ تن و ۷۵۶ کیلوگرم انواع مواد مخدر را از سوداگران مرگ کشف کردند که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۸۹٪ افزایش کشف داشته است. وی افزود: مأموران طی مدت ۶ ماه ۳۴ تن و ۹۲۲ کیلوگرم تریاک، یک تن و ۸۰۶ کیلوگرم مرفین، ۲ تن و ۵۳۵ کیلوگرم حشیش، ۸۶۳ کیلوگرم هروئین و ۶ تن و ۲۹۰ کیلوگرم سایر مواد مخدر را کشف کردند که در این رابطه سه هزار و ۴۲۰ حمل و توزیع کننده مواد مخدر دستگیر و ۹۷۲ خودرو توقیف شده است (https://www.irna.ir/news/84057975/7/7/1399). یکی از دلایل ورود و قاچاق مواد مخدر در این استان را باید به علت عدم کنترل دقیق نوار مرزی دانست؛ به طوری که اکثر افغانها در گذشته به شهرستان نهبندان وارد شده و به دنبال سکونت افغانها در این شهرستان، بین طوایف ایرانی به ویژه ساکنان در مرز با آنها ازدواجهایی صورت گرفته است که خود پیامدها و تبعات مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی را برای این منطقه به وجود آورده است که یکی از عوامل ناکامی طرح جمع‌آوری و طرد کامل افغانها نیز همین موضوع است. به علاوه برخی از افغانها ساکن در نواحی مرز با توجه به شناخت گذرگاهها و گلوگاههای قابل نفوذ، در کار قاچاق مواد مخدر، کالا و سوخت نقش دارند. لذا با توجه به پیوند قومی و مذهبی میان اقوام ساکن در مجاور با مرز کشور افغانستان با اقوام آن سوی مرز، مناسبات بین آنها چالشی مهم در راستای امنیت و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و در سطح کلان خود، کشور محسوب می‌شود (Falsolyman and Hojipour, 2012 : 877).

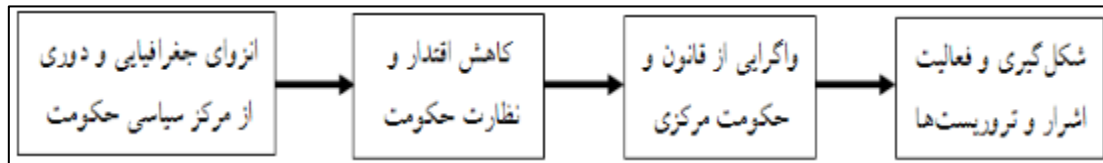
ب) شرارت و ناامنی

در اغلب کشورها قاچاق مواد مخدر به دلیل ماهیت غیرقانونی و اخلاقی به دست افراد شرور و مطرود جامعه انجام می‌شود و به همین خاطر همواره آمیخته با شرارت است. اختلافات اعضای باندها، تسویه حساب طلبکاران و بدهکاران و اختلافات کینه‌توزیهای شخصی دامنه شرارت را به سطح وسیعی از این مناطق می‌گستراند. چرا که این مسایل به دشمنی‌های قومی و قبیله‌ای کشانده شده و منازعات و گروگانگیری و قتل‌های جمعی را برای مدتی طولانی به همراه دارد. مقابله با این‌گونه شرارتها که ضریب امنیتی برخی مناطق مرزی کشور را پایین می‌آورد تنها با اختصاص امکانات، وقت و نیروی زیادی از دولت میسر می‌شود. در منطقه مرزی شرق کشور در استان خراسان جنوبی، علیرغم توان بالقوه‌ای هم چون عبور محور شرق (کریدور شمال به جنوب کشور) در شهرستان نهبندان، به لحاظ برخورداری از راههای ارتباطی، همچنان با ضعف روبه‌رو است که این شرایط به عدم امکان استفاده مطلوب از توان بالقوه‌ای هم چون کریدور شمال به جنوب، کاهش سرعت دسترسی برخی از تولیدکنندگان مواد غذایی (به خصوص روستائیان) به بازارهای فروش در بهترین زمان ممکن، و در بعد امنیتی به مسائلی هم چون کاهش ضریب سرعت عمل خدمات اورژانسی، افزایش ضریب امکان فعالیت اشرار و معاندان و کاهش قدرت مانور نیروهای امنیتی - انتظامی خواهد انجامید (Falsolyman and Hojipour, 2012 : 880). البته هر موقع که اقدامی برای اشتغال در این منطقه انجام گرفته است، وضعیت بهتر شده است. برای مثال فعالیت بازارچه‌های مرزی بسیاری از عدم تفاهمات بین ساکنین دو سوی مرز را به حد قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. به طوری که سرقت‌ها و آدم‌ربایی‌های حادث شده در یک دهه اخیر به شدت کاهش پیدا کرده است و در واقع در مناطق حوزه فعالیت این بازارچه‌ها به صفر رسیده است (Ghysari and Khajavi, 2012 : 1015).

وضعیت کشور افغانستان در دارا بودن منابع تنش، اینگونه است که از بالاترین سرانه‌های تنش و چالش در میان کشورهای جهان، برخوردار است. این کشور، ۵۷ منبع تنش و مشجره پایه‌ای با همسایگانش دارد که تقریباً برای هر همسایه ۱۰ منبع مشجره فعال یا پنهان می‌توان در نظر گرفت. براساس گزارشها، حداقل ۱۰ میلیون اسلحه کوچک در داخل افغانستان وجود دارد. هر فامیل افغانستان، حداقل یک تفنگ دارد که به دوران اشغال افغانستان از سوی شوروی مربوط می‌شود. بیش از ۲ هزار گروه مسلح در این کشور وجود دارد که دولت نظارت باکیفیتی بر آنها ندارد و نقش زیادی در افزایش ناامنی در کشور و کاهش حاکمیت و اقتدار حکومت دارند. از مجموع ۳۵۴ شهرستان در افغانستان، فقط ۹ شهرستان در سال ۲۰۱۰ به عنوان مناطق کاملاً امن، ۱۱۴ شهرستان با ناامنی بسیار بالا و شدید، ۵۰ شهرستان با ناامنی متوسط و ۱۹۱ شهرستان با میزان ناامنی کم معرفی شده‌اند. بنابراین فقط ۲٪ از شهرستانهای این کشور، امنیت مناسبی دارند و در ۹۸٪ باقی مانده، طیفی از کم تا بسیار زیاد از ناامنی را دارند (Zarghani, 2019: 380-394). این وضعیت در کشور افغانستان، همواره بر توسعه و امنیت مناطق مرزی ایران در شرق کشور، تأثیرگذار هستند.

ج) تروریسم

آنچه که مسلم است، در جغرافیای سیاسی ایران، فاصله جغرافیایی همواره کارکرد سیاسی-امنیتی داشته است و با افزایش فاصله از حکومت مرکزی، اقتدار حاکمیتها نیز کاسته می‌شده و این امر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی به بیشترین میزان خود می‌رسد. این کاهش توانایی در کنترل، مدیریت و نظارت بر نواحی دور افتاده زمینه را برای قانون‌گریزی و حکومت مرکزی فراهم می‌آورد که از نتایج آن شکل‌گیری و فعالیت اشرا و گروهک‌های تروریستی است. بنابراین جنوب شرق، جنوب غرب، غرب و شمال غرب از مناطقی هستند که فاصله و انزوای جغرافیایی در شکل‌گیری و فعالیت گروههای تروریستی تأثیر چشمگیری داشته است. در واقع، جغرافیای تروریسم، ناظر بر تأثیراتی می‌باشد که جغرافیا بر شکل‌گیری پدیده تروریسم در سطح فضاهای جغرافیایی دارد. جغرافیای تروریسم، مباحث مطالعاتی خاصی است که جغرافیای تاریخی و کنونی تروریسم را در مقیاسهای متفاوت، نواحی مختلف و برداشتها و تفاسیر گوناگون، مورد سنجش قرار می‌دهد. در این دست مطالعات، به تأثیرگذاری متقابل ویژگیها و شرایط فضایی و جغرافیایی با تروریسم پرداخته می‌شود. از این رو، مجموعه‌ای از شرایط مکانی با ابعاد مختلف طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و همچنین، برخی از عوامل ژئوپولیتیکی موجب شکل‌گیری و فعالیت گروههای تروریستی در این مناطق شده است. اگر بخواهیم از دلایل این شکل‌گیری فعالیت‌های تروریستی را بررسی کنیم، می‌توانیم با توجه به نظریه شکاف‌ها و شکاف متراکم آنرا تحلیل کرد. در واقع، اگر شکافها بر هم بار شوند و یکدیگر را تقویت کنند پتانسیل خشونت و منازعه افزایش می‌یابد؛ برای مثال، در استان سیستان و بلوچستان چند شکاف بر هم بار شده و دیگری را تقویت کرده‌اند. شکاف مذهبی بین «اهل سنت و پیروان تشیع»، شکاف قومی بین «بلوچستان و فارس»، شکاف متراکم «عدم مشارکت بلوچ در اداره کشور»، شکاف «توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی»، باعث شکاف متراکم شده‌اند. از طرفی، هرچه این شکاف متراکم‌تر شود، واگرایی و گریز از مرکز شدت می‌یابد و احتمال افزایش خشونت بیشتر خواهد بود. همچنین براساس نظریه محرومیت نسبی، دیویس معتقد است که تنشهای شکل گرفته بر مبنای درک محرومیت نسبی، زمینه لازم برای شکرک در خشونت‌های مدنی را مهیا می‌سازد. بدون تردید، میان خشونت و عقب‌افتادگی اقتصادی رابطه تنگاتنگی وجود دارد. فقر عامل و بلای بی‌ثباتی و مرکزگریزی است (Shahmoradi and et al., 2020 : 134-137) (Izadi and Dabiri, 2013 : 95-97) (Etaat and Dabiri, 2016 : 31).



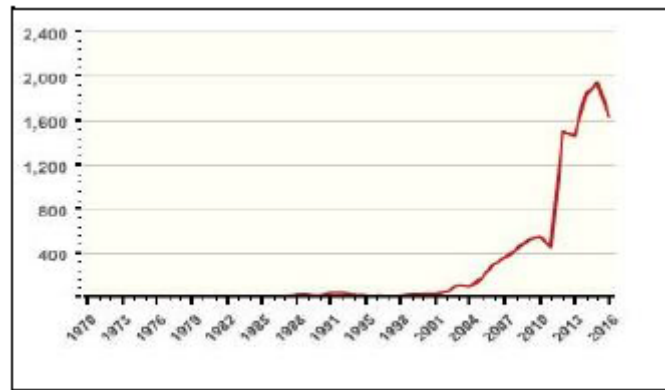
مدل شماره ۲: تأثیر انزوای جغرافیایی در شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها در [شرق] و جنوب شرق کشور

(Izadi and Dabiri, 2013 : 105)

بنابراین، به دلیل همسایگی با افغانستان، مناطق مرزی شرق کشور از حملات تروریستی آسیب می‌بیند. در حال حاضر افغانستان یکی از کشورهای است که با فراوانی بسیار بالایی از حملات تروریستی مواجه بوده است. براساس بانک اطلاعات تروریسم جهانی این کشور از سال ۱۹۷۰ تا پایان سال ۲۰۱۶ شاهد ۱۱۵۲۹ حمله تروریستی بوده است. یعنی به طور متوسط افغانستان در هر سال شاهد ۲۵۰ حمله تروریستی کوچک و بزرگ بوده است. این در حالی است که طی ۱۵ سال گذشته و بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و حمله ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا به افغانستان حملات تروریستی در این کشور از شدت و گستردگی بیشتری برخوردار شده است (شکل ۳). بر اساس آمار و اطلاعات شاخص تروریسم جهانی این کشور در سال ۲۰۱۴ با امتیاز ۹/۲۳۳ از ۱۰ بعد از کشور عراق در صدر کشورهای قرار دارد که از تروریسم و حملات این گروه‌ها تأثیر پذیرفته است. طالبان مسئول اصلی حملات تروریستی در افغانستان است، به طوری که در سالهای ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بیش از ۷۵٪ حملات تروریستی در این کشور را انجام داده است. در سال ۲۰۱۵ در ۵۱۵ شهر مختلف افغانستان اقدامات تروریستی انجام شده است و به طور واضح تروریسم در سراسر این کشور گسترده شده است. با این حال، نواحی از کشور به طول ۱۰۰ مایل از مرز با پاکستان حملات تروریستی شدیدتری اتفاق می‌افتد. جنوب و شرق افغانستان به علاوه ولایت هلمند کانونهای اصلی حملات گروه‌های ضد حکومتی مستقل بوده‌اند. هلمند ۱۰٪ و ننگرهار ۸٪ و دو شهر بزرگ افغانستان یعنی کابل و قندهار هر کدام ۷٪ از حملات تروریستی در این کشور را شاهد بوده‌اند (Dabiri and et al., 2017 : 167-168).

در منطقه مرزی شرق و جنوب شرق کشور، از دلایل ناامنی و فعالیت‌های اشراک و گروه‌های تروریستی، سطح پایین توسعه و پیامدهای منتج از آن مانند: فقر، احساس تبعیض، واگرایی از حکومت مرکزی، بی‌اعتمادی از سیاست‌های نظام، نارضایتی عمومی، قاچاق و ... می‌باشد. همچنین در این منطقه مرزی، برخی از مشخصات جمعیتی (کمی و کیفی) به طور غیرمستقیم در فعالیت گروه‌های تروریستی تأثیر داشته‌اند. میزان تراکم جمعیت در استانهای خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، به ترتیب ۷ و ۱۳ نفر در کیلومترمربع می‌باشد که از پایین‌ترین تراکم‌های جمعیتی در کشور است. به علاوه، تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ این منطقه مانند زاهدان، زابل، بیرجند و توزیع نامتعادل آن در این استانها، باعث شده که پهنه‌های وسیعی از این منطقه، خالی از سکنه باشد که خود عاملی برای فعالیت بهتر تروریست‌ها خواهد بود. به طور کلی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت مرزها به دلیل گستردگی مرزها و وجود کشورهای ناآرام همسایه، با چالشها و تهدیدات متنوعی روبرو است. مناطق مرزی به دلیل مجاورت با کشورهای همسایه و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آنها، ویژگی‌های خاصی دارند و چنانچه مورد توجه قرار نگیرند، تأثیر منفی بر توسعه و امنیت ملی خواهند داشت (Shahmoradi and et al., 2020 : 141) (Izadi and Dabiri, 2013 : 107-108). مسأله تأثیرپذیری مناطق مرزی شرق و جنوب شرق کشور از حملات تروریستی در کشورهای افغانستان و پاکستان را با توجه به نظریه سرایت در حملات تروریستی، نیز می‌توان تبیین کرد. بر مبنای مستندات، «سرایت از تروریسم با توجه به زمان حملات صورت می‌پذیرد. به این معنا که در دوره زمانی خاصی، حملات تروریستی قابل توجهی در مناطق مختل روی می‌دهد. مبحث سرایت از تروریسم، علاوه بر بُعد زمانی، دارای جنبه جغرافیایی و مکانی نیز می‌باشد. به

این ترتیب که مشاهده پدیده‌های تروریستی با سطوح بالا در یک کشور، اغلب با افزایش این حوادث در کشورهای همسایه و منطقه ارتباط دارد. این حملات ممکن است به دست همان سازمان، نسل دیگری از آن سازمان، هواداران خارجی و شرکای ائتلافی یا گروههایی صورت می‌گیرد که از آن سازمان تقلید می‌کنند. نکته جالب توجه، این مطلب است که مانند سرایت بیماریها هرچه مشابهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و محیطی کشور یا منطقه‌ای با کشورها و مناطقی که تروریسم در آنها شکل گرفته بیشتر باشد احتمال سرایت این پدیده بیشتر خواهد بود» (Dabiri and et al., 2017 : 171).



شکل شماره ۳: نمودار فراوانی حملات تروریستی از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۶ در افغانستان

Dabiri and et al., 2017 : 168

د) قومیت

یکی از اقوامی که در سه کشور پاکستان، ایران و افغانستان سکونت دارند بلوچها هستند. این قوم در منطقه به هم پیوسته‌ای شامل ایالات بلوچستان پاکستان، بخشهای عمده‌ای از استان سیستان و بلوچستان ایران، شهرستان جاسک، قسمتهایی از شهرستانهای کهنوج و نهبندان و گوشه جنوب غربی افغانستان شامل هلمند، حوالی گودزره و ساحل شرقی هامون صابری سکونت دارند. به علاوه در بخشهای از استان خراسان جنوبی، کرمان، مشرق استان هرمزگان و تعداد کمی هم در استان گلستان ساکن هستند. در استان خراسان جنوبی که هم مرز با کشور افغانستان است غلبه با قوم و زبان فارسی است و از نظر مذهبی اکثریت مردم آن شیعه مذهب می‌باشند. برای مثال مذهب مردم شهرستان نهبندان که شهری مرزی با افغانستان است ۹۱/۵٪ مردم شیعه مذهب و ۸/۵٪ آنها دارای مذهب سنی هستند که به طور عمده افراد سنی مذهب در کنار شرقی شهرستان و مجاور مرز، در روستاهایی مانند طبسین علیا و سفلی، شیرازه و کرسونک، سهل‌آباد، دوکوهانه و ... ساکن می‌باشند. لاجرم، در حال حاضر این استان جزو منطقه بحرانی بالقوه و درجه ۳ یا بدون بحران تلقی می‌شود. البته به دلیل شکل‌گیری مناسبات نسبی با افغانها و مراودات اقتصادی، پیوند قومی و مذهبی میان اقوام ساکن در مجاور با مرز کشور افغانستان با اقوام آن سوی مرز و مناسبات بین آنها تاکنون چالشی اساسی در راستای امنیت و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و در سطح کلان خود، به بار آورده است (Falsolyman and Hojipour, 2013 : 877-880) (Pishgahifard and Omidavaj, 2009: 56).

مسئله قومیت و مذهب در دو سوی مرزها همواره یک نگرانی امنیتی برای این سه کشور بوده است. افغانستان کشوری است که تنوع قومیتی در آن از دیرباز پشتوانه پراکندگی قدرت بوده است. هویت بنیادین افغان هویتی نه ملی بلکه خرده ملی و قومیتی است. در ایران و افغانستان، به همان صورت که تمرکز قومیت تاجیک و یا اهل تشیع در مرزهای افغانستان با ایران برای دولت کابل نگران کننده است، به همان شکل نیز تمرکز قومیت بلوچ یا اهل سنت در مرزهای ایران با افغانستان برای

ایران نگران کننده است. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که ایران و افغانستان از ارتباط دو سوی مرزها و تأثیر آن بر امنیت ملی خود نگران هستند. آمد و شد مهاجرین افغانستان و ارتباطات فامیلی که از گذشته‌های دور میان جمعیت‌های دو سوی مرز وجود داشته و پیامدهای امنیتی مختلفی که این ارتباطات برای امنیت ملی دو کشور داشته است، دلیل اصلی این نگرانی است. افغانستان کشوری است با اکثر جمعیتی پشتون و اهل سنت، و ایران کشوری است با اکثریت جمعیتی فارس زبان و اهل تشیع. درحالی‌که مرزنشینان ایران و افغانستان به لحاظ مذهبی به یکدیگر نزدیکند و اکثریت را اهل سنت تشکیل می‌دهند، از نظر قومی ترکیب جمعیتی در مرزهای ایران و افغانستان به ویژه در ناحیه استان هرات، تاجیک‌ها را دارد که به لحاظ زبانی و قومی خود را به ایرانی‌ها نزدیک‌تر می‌بیند.

بنابراین، ایران تلاش خواهد کرد و یا لاقلاً مطلوب ایران این خواهد بود که قومیت‌های فارس زبان و نیز پیروان مذهب شیعه در مرزهای افغانستان با ایران مستقر شوند. در مقابل، دولت افغانستان تلاش خواهد کرد و یا مطلوب آن این خواهد بود که قومیت پشتون و نیز پیروان اهل سنت در مرزهای ایران و افغانستان تمرکز بیشتری داشته باشند. متأثر از این واقعیت، در طی تاریخ سران پشتون افغانستان سعی کرده‌اند با کوچ دادن پشتون‌های اهل سنت به مناطق هم مرز افغانستان با ایران، بافت جمعیتی مناطق مرزی افغانستان با ایران را بر هم بزنند. این سیاست در همه دوران زمامداری پشتون‌ها در افغانستان وجود داشته ولی یکی از مهمترین مقاطع اخیر آن، کوچ دادن پشتون‌های افغانستان در دوره طالبان به نواحی مرزی افغانستان با ایران است. در آن مقطع، ایران حامی ائتلاف شمال (تاجیک‌ها، ازبک‌ها و شیعیان) بر ضد طالبان بود و این ارتباط به ویژه در نواحی مرزی از طریق فارس زبان‌های افغانستان و اهل تشیع برقرار می‌شد. طالبان برای اینکه این ارتباط را قطع کنند، عده زیادی از طوایف نورزایی، علی‌زایی، اچکزایی و حتی اسحاق‌زایی و مهمند را به نواحی مرزی افغانستان با ایران کوچ داد به گونه‌ای که در حال حاضر، به لحاظ قومی و مذهبی، ساکنان مرزهای افغانستان با ایران اغلب پشتون‌ها و اهل سنت می‌باشند. نفس این اقدام می‌تواند برای ایران یک دغدغه باشد اما مهمتر از آن ارتباط مذهبی، خانوادگی، اجتماعی و حتی سیاسی-امنیتی بین این مرزنشینان با هم‌تایان خود در این سوی مرزها یعنی ایران می‌باشد. این موضوع از آن نظر حائز اهمیت است که اگر روزی مسأله قومیت و مذهب بخواهد بصورت یک چالش داخلی برای ایران تبدیل شوند، در آن صورت، نواحی مرزی ایران با افغانستان می‌تواند بصورت یک خطر یا تهدید جلوه‌گر شود. علاوه بر این مسأله مهاجرین افغانستان در ایران و تمرکز آنها در استان‌های مرزی مزید بر علت شده است تا در بعضی مناطق ترکیب جمعیتی به نفع افغانها تغییر کند. کوهن بیان می‌کند که در آسیای جنوبی، بلوچستان یک مدخل تجزیه‌طلب و پشتونستان یک مدخل بالقوه است. این مردمان هرچند جمعیت خیلی زیادی ندارند ولی در میان مسیرهای دسترسی کلیدی قرار دارند. به هر روری هرگونه بی‌ثباتی نارضایی قوم بلوچ، تمامیت ارضی هر سه کشور محل سکونت آنها را تهدید می‌کند و خطر بالقوه کشمکش منطقه‌ای نیز به همراه خواهد داشت (Abasi, 2012: 195).

ه) بی‌ثباتی سیاسی افغانستان

طبق آمار مستند، ایران هزینه قابل توجهی به دلیل بی‌ثباتی، ضعف دولت مرکزی و خودسری فرماندهان محلی در افغانستان می‌پردازد. بی‌ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در این کشور، تحت هر شرایطی بر امنیت ملی ایران تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد که حفاظت از آن با هزینه‌های سنگین هم امکان‌پذیر نیست. هرگونه اتفاق ناشی از بحران نامنی در افغانستان مانند جنگ، باعث هجوم مهاجران افغانی به کشورهای همسایه به ویژه ایران خواهد شد همان گونه که در دوران جنگ با شوروی، تعداد زیادی پناهندگان افغانی به کشور سرازیر شدند. در دو دهه اخیر نیز بی‌ثباتی، جنگ داخلی و رقابت‌های بیگانگان

در سرزمین افغانستان پیامدهای گوناگونی همچون ناامنی، هجوم آوارگان و مسایل ناشی از آن را در بر داشته است. موج آدم ربایی به خصوص در مناطق روستایی و حتی به شهرهای تربت‌جام و تربت‌حیدریه نیز سرایت کرد بخش زیادی از توان و زمان مردم و دولت را به خود اختصاص داد (Abasi, 2012 : 190-191).

عدم وجود ثبات لازم در کشور افغانستان، ریشه در عوامل متعدد ساختاری و سابقه مداخلات بیگانه در این کشور دارد. در افغانستان، دولت تنها بر بخش‌های محدودی از کشور احاطه دارد و نیروهای نظامی طالبان مجدداً در حال گسترش مناطق تحت نفوذ خود می‌باشند. طالبان در برخی مناطق افغانستان از جایگاه قدرتمندی برخوردار است و دولت مرکزی علی‌رغم بهره‌مندی از حمایت نیروهای خارجی و برخی چهره‌های سیاسی داخلی، هنوز موفق به گسترش مقبولیت خویش در بسیاری از مناطق افغانستان نگردیده است. در افغانستان عدم وجود دولت مقتدر و مسلط و وجود مشکلات اقتصادی فراوان، تولید مواد مخدر را افزایش داده است. موقعیت خاص جغرافیایی خراسان جنوبی یعنی قرار گرفتن آن در مسیری مناسب برای قاچاق کالا و همسایگی آن با افغانستان موجب افزایش احتمال قاچاق در کشور می‌گردد. داشتن مرزهای طولانی با افغانستان و نرخ بالای بیکاری به ویژه در مناطق مرزی زمینه مساعدی برای قاچاق بوده و باعث گسترش آن در این منطقه مرزی شده است و سبب بروز اختلالاتی در زندگی مردم و مرزنشین‌ها بخصوص باعث برخی ناهنجاریهای اقتصادی در شهرهای مرزی استان گردیده است. پیامد این موارد در مرزهای شرقی باعث برخی ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی و ... در شهرهای مرزی می‌شود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

با انجام آمایش، توسعه و امنیت در مکانها، شکل می‌گیرند؛ لذا، آمایش برای مناطق مرزی، لازم و ضروری است. بعد فاصله و دوری که مناطق مرزی از مرکز سیاسی دارند، همواره توسعه و امنیت آنها را در سطح پایین‌تری از بقیه بخشهای یک کشور قرار داده است. مسأله زمانی برای این مناطق، حادث می‌شود که کشورهای همسایه دارای چالشهای اساسی در توسعه و امنیت باشند و دولتهای آنها در اداره و مدیریت کشور، توانایی لازم را نداشته باشند. نقش مرزها و مناطق مرزی در جلوگیری از بروز اختلاف، منازعات و مناقشه، به روشنی دیده می‌شود؛ البته این نقش به نحوه مدیریت مرز و نوع مرزها نیز وابستگی زیادی دارد. با بروز اختلافات میان کشورها، مناطق مرزی بیشتر از هر مکان دیگری در ناامنی قرار می‌گیرند که بسته به سطح توسعه این مناطق، امنیت ملی تهدید می‌شود. متغیرهای مطرح شده در تعریف برژینسکی از امنیت ملی که در متن به آن اشاره شده است، در همسایگان و در مناطق مرزی ایران با آنها، وجود کافی ندارند؛ به ویژه در مناطق شرقی کشور، به دلیل نبود کافی این متغیرها، فرایند توسعه و برقراری امنیت را برای ایران در مناطق مرزی با چالش مواجه کرده است. به علاوه، این مناطق، در جریان برنامه‌های توسعه داخلی کمتر قرار می‌گیرند لذا از محرومیت شدید رنج می‌برند و این محرومیتها باعث افزایش قاچاق کالا و چالشها و تهدیدات دیگری که بر امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر است می‌شوند و اگر مناطق مرزی به چالش کشیده شود تأثیرات زیادی در امنیت داخلی و روابط خارجی برای کشور خواهند داشت. شدت و ضعف تأثیرگذاری این عوامل با توجه به مکان جغرافیایی و عنصر زمان متفاوت خواهد بود.

در تأمین توسعه و امنیت منطقه مرزی، عوامل متعددی نقش دارند که برخی عوامل خاص یک کشور و حتی منطقه می‌تواند باشد و در گذر زمان ممکن است میزان تأثیرگذاری آن عامل کاهش یا افزایش یابد. همان گونه که بی‌ثباتی سیاسی همسایگان شرقی، قومیت، اشراک و تروریسم در منطقه و مافیای قدرتمند مواد مخدر از جمله معضلاتی است که از ناحیه شرق بر مناطق

مرزی و کل کشور تأثیر گذار بوده‌اند. این تهدیدات خارجی و عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مناطق داخلی در ایران بر توسعه ملی تأثیرگذار است. توسعه‌نیافتگی در مناطق مرزی که منجر به ناامنی می‌شود، اثرات خود را بر توسعه‌نیافتگی و ناامنی در کل کشور می‌گذارد. عدم تعادل منطقه‌ای بویژه در مناطق مرزی نه تنها باعث عقب ماندگی مناطق مرزی شده بلکه باعث اختلال در توسعه کل کشور خواهد شد. علاوه بر عدم تعادل منطقه‌ای بین مناطق مرزی و مناطق داخلی، در منطقه مرزی شرق کشور، عدم ثبات سیاسی و امنیت در کشور افغانستان و تأثیر آن بر مرزهای شرقی ایران و بویژه مرز مشترک خراسان جنوبی با کشور افغانستان، باعث شده است رویکردها و سیاستها نسبت به مرز، شهرها و روستاهای مرزی جنبه تدافعی و امنیتی داشته و نه تنها سرمایه‌گذاری قابل توجهی در نوار مرز انجام نگردد بلکه روستاهای نوار مرزی بنا به دلایل عدم توسعه و ناامنی، خالی از سکنه شده و فعالیت اقتصادی مرزنشینان نیز به سمت دلالی، قاچاق و فعالیت‌های غیر مولد تبدیل شده است. از این رو، آمایش مناطق مرزی بایستی توسعه همه‌جانبه را با امنیت پایدار، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند دهد و راهکاری برای توسعه مناطق مرزی معرفی کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شوند.

بعد فاصله‌ای که استان خراسان جنوبی از مرکز سیاسی کشور دارد، و وجود یکسانی سطح توسعه و تهدیدات نام برده شده در استانهای همجوار با آن، یعنی چه استانهای داخل کشور و چه در ولایتهای مرزی افغانستان، مشخصه‌های مرکز- پیرموان و کاستی‌های ناشی از فاصله با مرکز را برای این استان هموار کرده است. همان طور که در نظریه مکان مرکزی بر نقش دوری شهرها و مکانها از پایتخت تأکید شده است، استان خراسان جنوبی از این دور بودن، متأثر می‌باشد و نقش مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی برای آمایش آن مورد غفلت قرار گرفته است. مهم‌ترین عوامل و تهدیدات خارجی که در تضعیف نقش امنیتی مرز و نفوذپذیری آن دخالت دارند در استان خراسان جنوبی مورد شناسایی، بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مشخص گردید که هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... خلل ایجاد نماید. اما دولت با اتخاذ سیاست‌هایی می‌تواند در مرزهای طولانی خود از فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی استفاده نموده و امنیت پایدار را به وجود آورد. با توجه به اینکه ایران در مسیر دو منبع اصلی تولید (افغانستان) و مصرف (اروپا) مواد مخدر قرار دارد، انتقال مواد مخدر تولیدی در افغانستان به بازارهای اروپا از راه فضای سرزمینی ایران، تهدیدات و تنگناهای متعدد و پیچیده‌ای برای ایران و مرزهای شرقی بوجود آورده و باعث ناامنی در استان‌ها و شهرهای مرزی ایران شده است. خراسان جنوبی از جمله استانهای کمتر توسعه‌یافته و جدید التأسیس می‌باشد که در سال ۱۳۸۳ از استان خراسان منتزع شده است و طبق یافته‌های پژوهش از عدم تعادل و توازن منطقه‌ای رنج می‌برد و متأثر از تهدیدات خارجی می‌باشد. در مناطق مرزی این استان به ویژه در شهرستان‌های مرزی افراد مشکوک تابعین سکونت داشته که اصالتاً افغانی بوده که بعد از ورود غیرقانونی به کشور و سکونت در مناطق دور افتاده اقدام به خرید شناسنامه ایرانی نموده یا ازدواج با دختران ایرانی را بهانه‌ای برای گرفتن تابعیت ایرانی قرار داده‌اند. هرگونه ناامنی ناشی از بی‌ثباتی سیاسی و تروریسم در کشور افغانستان، موج مهاجرت و پناه بردن مردم این کشور به استانهای شرقی کشور ایران را به همراه داشته است. همجواری خراسان جنوبی با استان سیستان و بلوچستان نیز آسیب‌هایی را متوجه استان نموده است به گونه‌ای که این استان معبر عبور محموله‌های قاچاق و مواد مخدر از مبدا سیستان و بلوچستان می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد با برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری مناسب برای روابط خارجی با افغانستان، بهاء دادن به مردم منطقه، اعتمادسازی، ایجاد اشتغال و سپردن مسئولیت‌های اجرایی منطقه به نیروهای تحصیل کرده و واجد شرایط بومی شهرهای مرزی، از تمامی ظرفیت‌های استان در راستای عمران و آبادانی منطقه و رفاه اقشار بومی و محلی که استحقاق

هرگونه حمایت و مساعدت را دارند استفاده و بهره‌برداری کنیم تا امنیت مرزها را با حفظ امنیت شهرهای مرزی منطبق سازیم و مناطق مرزی توسعه یافته و دارای امنیت پایدار داشته باشیم.

منابع

- Abasi, Ebrahim (2012). Local Geopolitical and Geoeconomic Elements in the Development of Bilateral Relations between Iran and Afghanistan. *Geopolitics Quarterly*, Year 8, Issue 3, Fall, pp 182-125. (in Persian)
- Aftab, Ahmad, Hoshmand, Akbar (2018). Development of Defense and Security Strategies in the Border Areas of West Azerbaijan province with a Land Management Approach. *Defense Strategy Quarterly*, Year 16, Issue 63, pp 154-187. (in Persian)
- Ahmadi, Mazhar, Alipouri, Ehsan and Alipour, Abas (2018). Analysis of Security Considerations of Land Management in Border Areas and its Role in Development (Case study: Ilam border province). *Journal of Border Science and Technology*, Volume 9, Number 3, Autumn, pp 35-64. (in Persian)
- Ahmadipour, Zahra, Mokhtarihashi, Hoseyn, Roknaldineftekhari, Abdolreza, Vazin, Narges (2007). Investigating the Acceleration of Development of Political-Administrative Spaces of the Country: A Case Study: Provinces of Iran in the First to Third Development Plans (2004-2009). *Geopolitics Quarterly*, Third Year, First Issue, Spring, pp 24-49. (in Persian)
- Anderson, J and L. Dowd. (1999). Borders, Border Regions and Territoriality: Contradictory Meanings, Changing Signify cancer *Regional Studies*, Vol. 33.7, pp. 593- 604
- Andresen, Martin A (2010). The Geography of the Canada–United States Border Effect . *Regional Studies*, Vol. 44.5, pp. 579–594, June 2010
- Atzili, B & Kadercan, B. (2017). Territorial Designs and International Politics: the Diverging constitution of space and boundaries , *Territory, Politics, Governance*, vol. 5(2) ,115–130
- Azimi, Hoseynali, Godarzi, Mahmoud (2012). The Role and Impact of the Process of Globalization of Border Cities in the Security and Development of Border Areas (West Azerbaijan Province). *Border Science and Technology Quarterly*, Third Year, No. 4, Winter, pp 87-108. (in Persian)
- Dabiri, Aliakbar, Hafezniya, Mohamadreza, Rahimsafavi, Seyd Yahya, Akhbari, Mohamad (2017). Assessing Geopolitical Variables Affecting the Formation and Activity of Terrorist Groups Case Study: Afghanistan-Pakistan Border Areas. *Quarterly Journal of Political Geography Research*, Second Year, Second Issue, Summer, pp 163-192. (in Persian)
- Draysdl, Alasdir, Belik, Jerald H (1997). *Political Geography of the Middle East and North Africa*. Translation of Doreh Mir Haider, Tehran, Ministry of Foreign Affairs Publications, first edition. (in Persian)
- Durand, Frédéric (2017). European Border Regions in Comparison: Overcoming Nationalistic Aspects or Re-nationalization?, *Journal of Borderlands Studies*, 32:4, 579-581
- Etaat, Javad, Dabiri, Aliakbar (2016). Investigating the Spatial Dimensions of Terrorism. *Geopolitics Quarterly*, Twelfth year, second issue, summer, pp 24-47. (in Persian)
- Etaat, Javad, Mosavi, Sydeh Zahra (2001). The Interrelationship between Regional Security and the Development of Political Spaces with Emphasis on Sistan and Baluchestan. *Geopolitics Quarterly*, Seventh year, first issue, spring, pp 70-87. (in Persian)
- Falsolyman, Mahmoud, Hojipour, Mohamad (2012). Analysis of Economic, Social and Cultural Challenges of Border Cities in Line with the Vision Document of 1404 with Emphasis on Security (Case study: Nehbandan city in South Khorasan province). *Challenges and Approaches*, Zahedan, April 20 and 21, pp 870-882. (in Persian)
- Ghonji, Ali (2007). *Drug Geopolitics of Southwest Asia-Afghanistan, Pakistan*. Tehran: NAJA Education Deputy Publications. (in Persian)
- Ghysari, Sadigheh, Khajavi, Aliyh (2012). The Role of Job Creation and Government Investments in Stabilizing the Population of Border Areas (Case Study: Border Cities of South Khorasan Province). *Challenges and Approaches*, Zahedan, April 20 and 21, pp 1007-1016. (in Persian)
- Hafezniya, Mohamadreza (2013). *Geopolitics Principles and Concepts*. Mashhad, Papli Publications, third edition. (in Persian)
- <https://www.irna.ir/news/84057975/7/7/1399>. (in Persian)
- Izadi, Hasan, Dabiri, Aliakbar (2013). Assessing the Geography of Terrorism in Southeastern Iran. *Geopolitics Quarterly*, Ninth year, first issue, spring, pp 91-126. (in Persian)

- Jalaliyan, Seyd Eshagh (2019). Investigating the Effective factors on Promoting Sustainable Security in border areas Case study: Sardasht border city. *Journal of Border Studies*, Volume 7, Number 4, Winter, pp 61-86. (in Persian)
- Karimi, Aram, Moradi, Servatolah, Tabei, Nader (2019). Determining Effective Factors and Criteria in the Management of Border Areas (Case study: Javanrood city). *Journal of Border Studies Journal*, Year 6, Issue 2, Summer, pp 71-93. (in Persian)
- Karimipour, Yadolah (2000). *An Introduction to Iran and its Neighbors*. Tehran: University Jihad Publications, first edition. (in Persian)
- Makhdoum, Majid (2011). *Land Planning foundation*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
- Mandel, Rabert (2008). *The Changing Face of National Security*. Translation of the Research Institute for Strategic Studies, Tehran: Publications of the Research Institute for Strategic Studies. (in Persian)
- McCain Lai, Rabert (2001). *Global Security Approaches and Theories*. Tehran: Research Institute for Strategic Studies Publications. (in Persian)
- Mirheddar, Doreh (2006). *Principles and Foundations of Political Geography*. Tehran, Samat Publications, fourth edition. (in Persian)
- Mohamadi, Hamidreza, Fahkrfatemi, Aliakbar (2005). The Role of Border Markets in the Spatial Development of Border Areas Case Study: Bajgiran Border Market. *Geopolitics Quarterly*, First Year, First Issue, pp 55-76. (in Persian)
- Mojtahedzadeh, Piroz (2007). *Political Geography and Geographical Politics*. Tehran, Samat Publications, third edition. (in Persian)
- MokhtariHashi, Hoseyn, Momeni, Mahdi, Bagheri, Mehrdad (2014). Development of Border Management Strategies; Case study of the Eastern Borders of the Country. *Geographical Research Quarterly*, 2014, No. 3, pp 237-254. (in Persian)
- Moradiyan, Fatemh (2011). *The Effect of Distant Borders on Soil-Forming Interaction*. Master Thesis, Tehran: Kharazmi University. (in Persian)
- Parniyan, Hatam, Ziyari, Karamatolah, Mirhei, Mohamad, Modiri, Mahdi (2017). Border Development Strategies with Land Management Approach (Study area: Urmia-Salmas). *Geographical Information Quarterly (Sepehr)*, Volume 26, Number 104, Winter, pp 173-184. (in Persian)
- Pishgahifard, Zahra, Omid-Avaj, Maryam (2009). The Relationship between the Dispersal of Iranian Ethnic Groups and Border Security. *Geopolitics Quarterly*, Fifth year, first issue, spring and summer, PP 48-71. (in Persian)
- Rasti, Emran, Rahimi, Mohamad (2009). Security and Development in West Asia from a Model-Oriented Perspective (Case Study: Border Regions of Iran, Afghanistan, and Pakistan). *Proceedings of the International Conference on Human Security in West Asia*, pp 151-187. (in Persian)
- Salhkar, Saber, Zibandehketh, Edalat (2015). Geopolitical analysis of border areas with emphasis on passive defense (Case study: Astar border city). *Border Science and Technology Quarterly*, Year 6, Number 4, Winter, pp 39-62. (in Persian)
- Sarvar, Rahim, MohamadiHamidi, Somayh, Vysiyan, Mohamad (2014). Study of Development Indicators in Border Areas in order to Achieve Sustainable Security (Case study of border cities of West Azerbaijan province). *Quarterly Journal of Disciplinary Geography*, Year 2, Issue 7, Fall, pp 25-54. (in Persian)
- Schack, Michael (2001). *Regional Identity in Border Regions: The Difference Borders Make*. *Journal of Borderlands Studies* Volume 16, No. 2, Fall 2001
- Shahmoradi, Hoseyn, Eghbal, Hadis, Rafiei Dolatabadi, Mohamadreza (2020). Investigation of spatial dimensions of terrorism in the border areas of the Islamic Republic of Iran. *Border Science and Technology Quarterly*, Volume 9, Number 1 (32), Spring, pp 123-148. (in Persian)
- Shatriyan, Mohsen, Ganjipour, Mahmoud, Ashnavi, Amir (2013). The Effect of Socio-Economic Status of Border Residents on Commodity Smuggling (Case Study: Sistan and Baluchestan, Bushehr and Kurdistan Provinces). *Journal of Human Geography Research*, Volume 45, Number 2, Summer, pp 123-148. (in Persian)
- Snyder, Krig E (2001). *Regional Security Structures*. Translated by Mahmoud Asgari, *Strategy Quarterly*, No. 21, Fall, PP 281-300. (in Persian)
- Tripathi , D. (2015). Interrogating Linkages Between Borders, Regions, and Border Studies *Journal of Borderlands Studies* , 1-13
- Uonesiyan, Majid (2001). *Nightmare of the Glass Palace, a Reflection on US-Saudi Relations*. Publications of Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research

- Zarghani, Seyd Hadi (2007). Geopolitical factors affecting the role and function of borders with emphasis on the borders of the Islamic Republic of Iran. Proceedings of the Frontier Conference Volume I, Adiban Publications. (in Persian)
- Zarghani, Seyd Hadi (2019). Revenue on Sustainable Border Security and Border Areas with Emphasis on Eastern Borders. Tehran: Iran Geopolitical Association Publications, first edition. (in Persian)